PV!

مغلطه‌ها را بشناسیم (۱)

رفقا! تصمیم گرفتیم از این به‌بعد تا مدتی، ستون «پی‌وی» رو درباره مغلطه بنویسیم. استفاده از مغلطه، یعنی دلیل آوردن‌های اشتباه و دور از منطقی که به نتایج نادرست منجر میشن، روش فراگیریه برای پیروز شدن در بحث. شناخت انواع مغلطه هم بهمون کمک می‌کنه خودمون بهشون متوسل نشیم و هم کمک می‌کنه تحت‌تأثیر استدلال‌های نادرست دیگران قرار نگیریم. یکی از رایج‌ترین اشتباه‌های منطقی، مغلطه «اقداره» که تشخیص اش هم خیلی راحته. کافیه در برابر شنیدن حرف‌ها و ادعاهای مختلف از خودمون بپرسیم منبع اون گفته‌ها، در زمینه‌ای که اظهارنظر کرده، تخصصی داره یا نه. نکته ظریفی که کارمون رو در برابر مغلطه اقتدار سخت می‌کنه، «سرایت نظرهای کارشناسیه». یعنی وقتی کسی که توی زمینه به‌خصوصی صلاحیت داره، درباره دیگر موضوعات هم اظهارنظر می‌کنه و ما مغلوب نظرش میشیم چون اون رو آدمِ مطلعی می‌دونیم. حتما اون جمله معروف منسوب به انیشتین رو شنیدین که «ما فقط از ۱۰ درصد قابلیت مغزمون استفاده می‌کنیم». خب انیشتین، فیزیک‌دان بزرگ و آدم باهوشی بوده اما درباره مغز و قابلیت‌هاش و میزان استفاده آدم‌ها از اون، چیز بیشتری از من و شما نمی‌دونسته؛ پس صرف‌نظر از این که این جمله واقعیت داره یا نه، موقع شنیدنش نباید هیجان‌زده بشیم و به‌عنوان یه واقعیت روش حساب کنیم. (سلسله‌مطالب شناخت مغلطه‌ها رو به کمک کتاب «مغلطه؛ راهنمای درست اندیشیدن» می‌نویسم)

نوجوان‌های عزیز، سلام!
چندروز پیش یه عکس جالب از «بیل گیتس» دیدم؛ فکر کنم شما هم دیده‌باشین. معمولا مرسومه آدم‌ها بعد از رسیدن به ثروت و شهرت، رفتارشون و توقع‌هاشون زمین تا آسمون عوض بشه ولی خب آقای گیتس بهمون یادآوری کرد که پولدار و موفق و معروف بودن، چیزهایی نیست که آدم بخواد به‌خاطرشون خودش رو از بقیه متمایز بدونه. شما چی فکر می‌کنید؟ اگه جای بیل گیتس بودین، برای همبرگر تو صف می‌ایستادین یا یک نفرو استخدام می‌کردین به‌جاتون تو نوبت بمونه؟

شماره پیامک ۲۰۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰

#حال_خوب

عکس: صادق ذباح

علیرضا ۱۲ ساله میگه: «من هر موقع ناراحت میشم، با دوست‌ها و خانواده‌ام صحبت می‌کنم. حرف زدن درباره چیزهای ناراحت‌کننده، کمک می‌کنه ازشون بگذرم و حالم خوب بشه».

دریچه

گپی با یک گروه نوجوان درباره استعدادهایی که داریم و نداریم

چقدر خودت رو می‌شناسی؟

دورهمی

الهه توانا | روزنامه‌نگار

بریاییم؟ در «دورهمی» این هفته، میزبان سه دوست نوجوان بودیم و درباره همین چیزها گپ زدیم. «سوفیا مستوفی»، «زینب مهتابی» و «پرنیان حسن‌پور» ۱۱ساله، از استعدادهای بارز و مخفی‌شان گفتند و بی‌خجالت درباره ضعف‌های‌شان حرف زدند؛ درباره این صحبت کردند که دیگران هم توانایی‌هایی دارند که ممکن است ما از آن‌ها بی‌بهره باشیم و به نتایج جالبی رسیدند. خلاصه جلسه خیلی خوبی بود و کمک کرد خودمان را بهتر بشناسیم.

تا حالا شده به‌خاطر نداشتنِ استعدادی مشخص، خودت را سرزنش کنی؟ یا مثلا دیگران، مهارت نداشتنت در کاری را به رخت بکشند و مسخره‌ات کنند؟ فکر کنم این چیزها برای همه‌مان پیش آمده‌است اما چرا؟ آدمِ همه‌فن‌حریف مگر وجود دارد؟ مگر ما روباتیم که دستورالعمل‌های مختلف روی‌مان نصب کرده‌باشند تا از پسِ هر کاری می‌کنم، خب می‌شود برای خواندن سرود جشن ازم کمک بگیرند. من در بعضی کارها خیلی بدم، مثل ورزش کردن و مخصوصا مسابقه دادن. از این موضوع ناراحت نیستم. وقت‌های بیکاری می‌روم توی حیاط، بسکتبال و فوتبال بازی می‌کنم تا زنگ ورزش کم نیاورم. می‌دانم لازم است از دیگران بیشتر تمرین کنم». از سوفیا می‌پرسم در برابر استعدادهای دیگران، چه احساسی دارد. جوابش خواندنی است: «اگر دوستم توی کاری از من بهتر باشد، از او می‌خواهم به من هم یاد بدهد اما اگر قبول نکرد درکش می‌کنم. شاید دلش بخواهد فقط خودش آن استعداد را داشته‌باشد. خودم اما مهارت‌هایم را به دیگران یاد می‌دهم تا اگر کار سختی پیش آمد، بتوانیم با هم انجامش بدهیم».

هنرمند عالی، ورزشکار بد

سوفیا، همانی که کاپشن بنفش پوشیده و عینک بامزه زده، توانایی‌ها و استعدادهای خودش را می‌شناسد و درباره‌شان می‌گوید: «من نقاشی کردن را خوب بلدم و همه من را با این مهارت می‌شناسند؛ توی «حفظ کردن» هم قوی هستم اما فکر نکنم کسی بداند. این توانایی پنهان من است و وقت‌هایی که کلی درس برای خواندن داریم، به کمک‌ام می‌آید. فکر می‌کنم لازم است غیر از خودمان، دیگران هم استعدادهای ما را بشناسند، این‌طوری می‌توانند روی ما حساب کنند؛ مثلا وقتی من زود و سریع چیزها را حفظ می‌کنم، خب می‌شود برای خواندن سرود جشن ازم کمک بگیرند. من در بعضی کارها خیلی بدم، مثل ورزش کردن و مخصوصا مسابقه دادن. از این موضوع ناراحت نیستم. وقت‌های بیکاری می‌روم توی حیاط، بسکتبال و فوتبال بازی می‌کنم تا زنگ ورزش کم نیاورم. می‌دانم لازم است از دیگران بیشتر تمرین کنم». از سوفیا می‌پرسم در برابر استعدادهای دیگران، چه احساسی دارد. جوابش خواندنی است: «اگر دوستم توی کاری از من بهتر باشد، از او می‌خواهم به من هم یاد بدهد اما اگر قبول نکرد درکش می‌کنم. شاید دلش بخواهد فقط خودش آن استعداد را داشته‌باشد. خودم اما مهارت‌هایم را به دیگران یاد می‌دهم تا اگر کار سختی پیش آمد، بتوانیم با هم انجامش بدهیم».

خوش خطِ بی‌استعداد در نقاشی

پرنیان، که وسط ایستاده و نخودی خندیده، حسابی به قوت و ضعف‌هایش فکر کرده‌است. او خودش را این‌طوری معرفی می‌کند: «من ژیمناستیک بلدم و طناب‌زدن و حلقه‌بازی‌ام عالی است. توی علوم هم خیلی موفقم و هر سوالی ازم بکنند، جوابش را می‌دانم. توانایی مخفی ندارم و همه من را به استعدادهای ورزشی‌ام می‌شناسند. درعوض انشانوشتن‌ام تعریفی ندارد. نمی‌توانم یک متن خوب بنویسم. هی می‌نویسم، هی دور می‌اندازم. کلی تمرین می‌کنم و به خودم سخت می‌گیرم». پرنیان از آن‌هایی است که ناامیدی توی کارشان نیست. ازش می‌پرسم درباره برتری دیگران در بعضی کارها و مهارت‌ها چه احساسی دارد. می‌گوید: «کمی حسودی می‌کنم. دلم می‌خواهد من هم آن کارها را یاد بگیرم و اگر دوستم توانایی‌اش را به من یاد ندهد، از دستش دلخور می‌شوم؛ اما بی‌خیال نمی‌شوم. سعی می‌کنم تنهایی از پس آن بربیایم. کلا دوست دارم مستقل باشم. مثلا اگر معلم خوش‌نویسی داشته‌باشم، اصول اولیه کار را ازش یاد می‌گیرم و بعد تنهایی ادامه می‌دهم تا اگر یک روز به مرحله بالاتری از معلم‌ام رسیدم، به خودم افتخار کنم. این‌طوری دلیلی هم ندارد که او از دستم ناراحت شود».

عکس: نسیم دهقانی

استاد درس علوم، ضعیف در انشا

زینب که لباس صورتی پوشیده است و صورت خوش‌اخلاقی دارد، خوب به حرف‌های دوستش گوش می‌دهد و می‌گوید: «من از نظر خودم خوش‌خطم. دیگران وقتی می‌خواهند برای کسی نامه‌ای، چیزی بنویسند، به من می‌گویند. یک استعداد پنهان هم دارم که از خوش‌خطی برایم مهم‌تر است؛ سرِ کلاس وقتی معلم درس می‌دهد، خیلی زود می‌فهمم. این توانایی، هم به خودم کمک می‌کند هم اگر دوست‌هایم به مشکل بخورند، می‌توانم درس را به زبان خودم برای‌شان ساده و واضح توضیح دهم. البته یک بدی هم دارد؛ گاهی وقت‌ها حوصله‌ام سر می‌رود و می‌گویم چرا باید چیزی را که بلدم به‌خاطر بقیه گوش بدهم؟ شاید اگر این توانایی‌ام مخفی نباشد، مجبور نباشم چیزهای تکراری را تحمل کنم. من توی نقاشی کردن واقعا بی‌استعدادم. اول این که هیچ طرحی به‌ذهنم نمی‌رسد، تازه اگر برسد هم نمی‌توانم خوب بکشم اما به‌نظرم اشکالی ندارد. از دخترخاله‌ام نازگل که نقاش خوبی است، کمک می‌گیرم». از زینب می‌پرسم اگر یکی از مهارت‌های خودش را به کس دیگری یاد بدهد و او از زینب جلو بزند، چه حسی پیدا می‌کند؟ می‌گوید: «کمی حسودی‌ام می‌شود و بعد برایش خوشحال می‌شوم؛ اما سعی می‌کنم از او بهتر شوم چون من بودم که بهش آموزش دادم». زینب یک آرزوی قشنگ هم دارد. او دلش می‌خواهد یک روز به کشورهای خارجی سفر کند و به کسانی که دوست دارند، زبان فارسی یاد بدهد.

چه خبر؟

اَبر ماه خونین!

بهمن‌ماه امسال با پدیده «ابر ماه خونین» آغاز شد. این پدیده تلفیقی از ماه‌گرفتگی کامل و اَبر ماه است. وقتی زمین دقیقا بین خورشید و ماه قرار می‌گیرد، به‌طوری که خورشید پشت زمین و ماه در سایه زمین باشد، ماه‌گرفتگی کامل رخ می‌دهد. در این وضعیت جو زمین قسمتی از نور خورشید را به سطح ماه بازتاب می‌کند و هاله‌ای قرمز رنگ دور زمین حلقه می‌زند؛ با رسیدن این نور به ماه، ناظر زمینی آن را به رنگ قرمز می‌بیند. اگر ماه هنگام وقوع این رخداد در مسیر چرخش اش به نزدیک‌ترین فاصله با زمین برسد، بزرگ‌تر از حد معمول دیده می‌شود و به آن اَبر ماه می‌گویند. مردمان جهان باستان اغلب علت این رخداد را نمی‌دانستند، به همین دلیل آن را شوم قلمداد می‌کردند. وقتی «کریستف کلمب» در سال ۱۵۰۴ میلادی به جزیره «جامائیکا» رسید، از بی‌اطلاعی بومیان به نفع خود استفاده کرد. او بر اساس تقویم نجومی می‌دانست به زودی ماه قرمز می‌شود. وقتی بومیان منطقه در پیدا کردن غذا به او کمک نکردند، کلمب به آن‌ها گفت: «خداوند خشم خود را با سرخ کردن رنگ ماه به شما نشان خواهد داد».

منبع: وب‌سایت بیگ‌بنگ

گامی برای نجات کره زمین

امروزه با صنعتی شدن جهان یکی از معضلات بزرگ، افزایش گازهای آلوده‌کننده‌ای مانند دی‌اکسید کربن و به دنبال آن تغییرات آب و هوایی است. بی‌شک رفت‌وآمد روزانه میلیون‌ها خودرو در خیابان‌های کشورهای مختلف نقش پررنگی در بروز این مسئله داشته‌است. به همین دلیل برای مقابله با این روند مخرب به تازگی دانشمندان از نوعی فناوری رونمایی کرده‌اند که می‌تواند گازهای خروجی خودروها را به مواد بی‌خطر برای محیط‌زیست تبدیل کند. در این سیستم با حل شدن CO_2 در آب، واکنش‌های الکتروشیمیایی ایجاد می‌شود، فرایندی که می‌توان از آن برای ساخت باتری تبدیل‌کننده CO_2 استفاده کرد. براساس اطلاعات منتشرشده، این فناوری به نهایی شدن و تولید انبوه بسیار نزدیک است و باید منتظر بود و دید که در دنیای واقعی تا چه حد از این فناوری استفاده خواهد شد.

هنرنمایی نوجوان پیانیست با ۴ انگشت

احتمالا همه ما فکر می‌کنیم برای پیانیست بودن حتما باید ۱۰ انگشت سالم داشته‌باشیم اما یک نوجوان آمریکایی با نواختن پیانو به بهترین شکل فقط با چهار انگشت نشان داده که این تصوری نادرست است و استعداد و پشتکار مهم‌ترین چیزها برای موفق شدن هستند. جالب آن‌جاست که این استعداد ۱۷ ساله کاملا به صورت خودآموخته به هنر موسیقی وارد و حالا تبدیل به یک منبع الهام برای دیگران شده‌است. علاقه‌مندان زیادی تمایل به دیدن اجرای زنده و هنرنمایی او دارند؛ اجرایی که تنها با سه انگشت در دست راست و یک انگشت در دست چپ روی پیانو انجام می‌شود. مهارت «سیمونز» باعث شده‌است که علاوه بر اجراهای تک‌نوازی، در چند گروه موسیقی هم مشغول به فعالیت باشد.

منابع: ایلنا، دیجیاتو

معرفی اپلیکیشن

نرم‌افزاری برای علاقه‌مندان طراحی داخلی

اسم: سه‌کنج
حجم: ۱۲ مگابایت

این هفته، یک پیشنهاد تازه و متفاوت برای‌تان داریم؛ اپلیکیشن «سه‌کنج» که درواقع یک شبکه اجتماعی طراحی داخلی است.

چه از دیزاین و طراحی سردربیاورید چه فقط به آن علاقه‌مند باشید، سه‌کنج می‌تواند سرگرم‌تان کند؛ البته در آن می‌توانید ذوق و سلیقه‌تان را هم محک بزنید و با دیگران به اشتراک بگذاریدش. در این اپ، چندین فضای خالی مثل نشیمن، آشپزخانه و کافی‌شاپ وجود دارد؛ به‌علاوه همه وسایلی که برای چیدمان و پر کردن این فضاها نیاز دارید، یعنی فرش و صندلی و پرده. شما، فضاهای بی‌روح و سفید را با وسایل واقعی طراحی می‌کنید، نتیجه کارتان را نمایش می‌دهید و در مسابقه‌های طراحی اپلیکیشن شرکت می‌کنید. اگر می‌خواهید بدانید در طراحی داخلی، چند مرده حلاجید یا اگر دوست دارید اطلاعاتی در این زمینه به دست بیاورید، سه‌کنج برای هر دو سیستم عامل اندروید و آی‌اواس، قابل دانلود است.

کمیک

اگه این روزها منتظر دریافت کارنامه هستید، این چند تا نکته را فراموش نکنید

ایده و اجرا: میرجانیان - مرادی